



 **The Right of Divorce in the Unique Marriage Certificate**

from the Mohammad Ali Shah Era 

  Ataei Ashtiani, Zohreh¹

Submitted :12 -5- 2022 Revised :12 -5- 2022 Accepted :23 -5- 2022 Published :21 -9- 2022 pp.24-42

Abstract

Marriages are important sources for the social, cultural, economic and political situation of different periods. They can identify some of the hidden angles of Iranian women living. Therefore, marriage, in representing the wife's wishes during the terms of the marriage, is one of the few documents that show the demands of women in accordance with their social origins and has led to the existence of various conditions during the marriage. The present article examines the conditions while concluding exceptional marriage contracts from the period of Mohammad Ali Shah Qajar, and bases the research on the issue of the right to divorce the wife. The type of dowry and how it is issued in the marriage contract can be considered socially and legally. The method of collecting information is library and based on documentary studies, which will be analyzed in a descriptive-analytical manner. The results of the study confirm that despite the dominance of traditions and customary laws that restricted the rights of women, due to the need to arrange marriage, women under the terms of the marriage, parts of their rights that they feared or lost or predicted for the future. The content of the current marriage contract, which, with the agreement of the husband and wife, considers marriage as an opportunity for the moral enhancement of both parties. It is a rare example that such a condition and agreement has not been seen in any of the existing marriages before this date.

Keywords: Marriage certificate, Right to divorce, Qajar women, Marriage Stipulation, Mohammad Ali Shah Era.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by [Journal of Codicology and manuscript research](#). This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)



1. z.ataei@ihcs.ac.ir- Asian Cultural Documentation Center/Institute for Humanities and Cultural Studies. Tehran. IRAN



References

- afri Aghghaleh, Ali and Iraj Afshar (2012), Manuscript Studies, Published by the Institute for the Publication of Written Heritage.
- Aghdashloo, Aydin, Guide to the Book of Marriage Contracts, Negarestan Museum, 1977.
- am, Ali and Alireza Ali Soufi, (2016), On the Necessity and Importance of Understanding Historical Documents: An Investigation of Marriage Contracts from the Qajar Era, Iranian and Islamic Historical Research, No. 18, pp. 93-110.
- anasarian, Eliz, (2008), Women's Rights Movement in Iran, translated by Noushin Ahmadi Khorasani, Tehran, Akhtaran.
- araqi, Ahmad ibn Muhammad Mahdi (1996), 'Awā'id al-Ayyām, Boostan Ketab, Qom.
- arasti, Reza, "Familiarity with the Decrees and Seals of the Qajar Period," Contemporary History of Iran, Issues 13 and 14.
- asr, Seyyed Hossein, (1996), Islamic Art and Spirituality, translated by Rahim Ghasemian, Office for Religious Studies Publications.
- ayani, Mehdi (1974). Bibliography of Manuscripts. National Works Association.
- ayel Heravi, Najib, (2001), History of Manuscript Copying and Critical Editing of Manuscripts, Publisher: Tab' va Nashr.
- chimmel, Annemarie, (2007), Islamic Calligraphy, translated by Mahnaz Shayestehfar, Islamic Art Studies Publishing.
- e Ville, Gaspar, (1958), Travel in Iran, translated by Javad Mohiyi, Tehran, Gutenberg Publications.
- ené Dalmany, Henri, (1956), Travelogue from Khorasan to Bakhtiari, translated by Bahram Farahvashi, Ibn Sina and Amir Kabir Publications.
- hokri, Roghieh and Yazdan Farkhi, (2019), Content and Form of Marriage Contracts in the Nasserid Period, Ganjiyeh Asnad, Vol. 29, No. 1, Issue 113, pp. 167-194.
- hokri, Roghieh, (2018), Content Analysis of Dowry in Marriage Contracts of the Nasserid Period Based on National Archive Documents, National Archive, Vol. 4, No. 2, pp. 66-98.
- l-Jawhari, Sheikh Mohammad Hasan Najafi (1983), Jawaher al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam, translated by Abbas Ghoochani, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut.
- ollack, Jacob Edward, (1989), Pollack's Travelogue, translated by Keykavus Jahandari, Tehran, Khwarazmi Publishing.
- o'men Fard, Zahra and Seyedeh Zahra Ghamilouei, (2016), "Marriage Contracts and Their Position in Social History (Introducing a Marriage Contract from the Reign of Fath-Ali Shah Qajar)," National Archive Quarterly, Issue 3, Serial No. 7, pp. 66-73.
- orteza Zobeidi, Mohammad, (1993), Taj al-'Uroos, Beirut, Al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution.
- rucksch, Heinrich (2010), Journey to the Court of Sultan Sahibqiran, translated by Mohammad Hossein Kord Bacheh, Tehran, Ettelaat.



Studies

Original Paper

Report and Review

- tayi Ashtiani, Zohreh, (2020), "Meaningful Action: Hidden Consequences of Women's Rights Acquisition during the Qajar Era," Women's Research Journal, Year 11, Issue 4.
- zoddoleh, Ahmad Mirza, (1949), Tarikh Ozoddi, edited by Hossein Koochi Kermani, Tehran, Mazaheri.



doi حق طلاق در بررسی نکاح‌نامه منحصر به فردی از دوره محمدعلی شاه

زهرة عطایی آشتیانی^۲

از صفحه ۲۴ تا صفحه ۴۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده

نکاح‌نامه‌ها از منابع مهم دربارهٔ اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ادوار مختلف به شمار می‌آیند. افزون بر آن با توجه به قلت منابع مکتوب دربارهٔ حیات اجتماعی و اقتصادی زنان، می‌توانند بخشی از زوایای پنهان زیست زن ایرانی را مشخص کنند. اهمیت این موضوع با امکان کمتر مداخله زنان در امور حقوقی و شرعی، محسوس‌تر است؛ لذا، نکاح‌نامه‌ها، در بازنمایی خواستهٔ زوجه طی شروط ضمن عقد، از محدود مدارکی هستند که مطالبات زنان متناسب با خاستگاه اجتماعی‌شان را نشان می‌دهند و موجب وجود شروط ضمن عقد متنوع و گوناگونی شده است. مقاله حاضر با بررسی شروط ضمن عقد نکاح‌نامه‌ای استثنائی از دوره محمدعلی شاه قاجار، موضوع حق طلاق به زوجه را مبنای پژوهش قرار داده است. نوع مهریه و نحوه جاری شدن آن در نکاح‌نامه، از نظر اجتماعی و حقوقی قابل تأمل است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بر اساس مطالعات اسنادی است که به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی، نکاح‌نامه مورد پژوهش واکاوی و بررسی خواهد شد. نتیجهٔ پژوهش مؤید این است که علی‌رغم تسلط سنت‌ها و قوانین عرفی که حقوق زنان را محدود می‌کرد، با توجه به لزوم تنظیم نکاح‌نامه، زنان ذیل شروط ضمن عقد، بخش‌هایی از حقوق خود را که بیم داشتند یا از دست دهند و یا برای آتیه پیش‌بینی‌هایی می‌کردند گنجانده‌اند. محتوای نکاح‌نامه کنونی نیز که با تفاهم زوج و زوجه، ازدواج را فرصتی برای اعتدالی اخلاقی دو طرف قلمداد کرده، نمونه نادری که تا پیش از این تاریخ در هیچ‌یک از نکاح‌نامه‌های موجود چنین شرط و توافقی دیده نشده است.

کلمات کلیدی: نکاح‌نامه، حق طلاق، زنان قاجار، شروط ضمن عقد، دوره محمدعلی شاه.

Cite this article: Ataei Ashtiani, Zohreh. (2022). The Right of Divorce in the Unique Marriage Certificate from the Mohammad Ali Shah Era. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣṭīḥ-i mutūn). vol-1, Issue-2, 24-42.
<https://doi.org/10.22034/crtc.2022.342017.1000>

۲. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تهران. ایران - z.ataei@ihcs.ac.ir

**مقدمه**

در پهنه‌های جغرافیایی صاحب تاریخ کهن، سندپژوهی تلاشی است برای کشف موضوعات مبهم حوزه‌های متنوعی که در این جوامع وجود داشته که در متون به‌جای‌مانده از تاریخ گذشتگان قابل ردیابی و شناسایی است. با این ملاحظه که نگاه به گذشته، در نحوه تفکر، هنر، نوع تصمیمات و کارایی قواعد اجتماعی در زمان حال مؤثر خواهد بود.

از رسوم و آدابی که ریشه در سنت و تاریخ این مرزوبوم دارد و مستندات قابل‌اعتنایی در حوزه خویشاوندی، طایفگی و ایجاد طبقات اجتماعی دارد، پیوند ازدواج است، قباله‌ها یا نکاح‌نامه‌ها انعکاس سبک زندگی و دارای مشخصه‌ها و بار قانونی و حقوقی برای زن و مرد است و بررسی ویژگی‌های چنین اسنادی در دوره‌های مختلف می‌تواند در روشن شدن برخی وجوه از روند حقوقی و واقعیات زندگی روزمره گذشتگان مؤثر باشد.

بنابراین استفاده از منابع آرشیوی و اسناد به‌جای‌مانده از جمله نکاح‌نامه‌ها، مصالحه‌نامه‌ها و وقف‌نامه‌ها، قادر هستند تصویر واقعی‌تری از زندگی و زمانه دوره‌های مختلف را به دست دهند.

پیشینه پژوهش

در خصوص قباله‌های ازدواج، پژوهش‌هایی صورت‌گرفته، ولی کمتر به شکل مجموعه‌ای در مورد یک موضوع خاص و به‌صورت استنادی در نکاح‌نامه‌ها کنکاش شده است.

شکری و فرخی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «محتوا و شکل نکاح‌نامه‌های دوره ناصری (۱۲۶۵-۱۳۱۳ق)» به ارتباط میان تعیین مهریه و طبقه اجتماعی زوجین در دوره موردبحث پرداخته‌اند. شکری (۱۳۹۷) پیش از آن در مقاله‌ای دیگر آمار دقیقی از میزان مهریه و نوع آن ارائه داده است. در مقاله «در ضرورت و اهمیت شناخت اسناد تاریخی: واکاوی عقدنامه‌های ازدواج عهد قاجار» نگارندگان به دنبال اطلاعاتی‌اند که شناخت ایشان را از تاریخ دوره قاجار افزون کند (سام و علی صوفی، ۱۳۹۵). مؤمن فرد و غمی لویی (۱۳۹۵) نیز ضمن بازخوانی عقدنامه‌ای از زمان فتحعلی‌شاه (حک: ۱۱۷۶-۱۲۱۳ش)، توضیحاتی درباره انواع مهر، ظاهر عقدنامه و میزان مهریه و ارتباط آن با منزلت اجتماعی افراد داده‌اند.

بیان مسأله

نکاح‌نامه‌ها در طبقه‌بندی مدارک آرشیوی با وجود داشتن جنبه‌های حقوقی و قضایی چون از جریان دادوستد و معاملات خارج هستند، اوراق صریحه شناخته می‌شود. علی‌رغم آنکه در اجزاء آن دارای ابعاد مالی و حقوقی است ولی چون تأکید بیشتر بر مبنای تحکیم روابط انسانی در میان مردم است لذا جزء اسناد مالی به حساب نمی‌آید و به‌واسطه همین مشخصه بخش «صورت» یا ظاهر سند و «محتوا» یا متن مندرج در سند اهمیتی هم تراز دارند.



از خلال پژوهش جامعی که در موضوع بررسی شروط ضمن عقد در دوره قاجار در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا انجام شد، از هر ۱۵ سند در میان ۷۰۰ سند ازدواج به‌جامانده از این دوره، یک شرط ضمن عقد یافت شد. این فراوانی نشان‌دهنده آگاهی‌های حقوقی و شرعی جامعه نسبت به حقوق زوجین است. با توجه به نوع شروط، به نظر می‌رسد استفاده از آنها بیشتر سازوکاری است مترقی برای دستیابی به حقوق زوج.

موضوعات و ماهیت شروط متفاوت است و تأکید شروط بیشتر بر تأمین اقتصادی و پرداخت نفقه توسط مرد و یا اختیار انتخاب محل سکونت توسط زن است. تعداد اندکی از شروط نیز جنبه فرهنگی دارد، از جمله فراهم کردن امکان تحصیل در مدارس جدید دوره قاجار.

در بین شروط نکاح‌نامه‌ای، شرطی منحصر به فرد به تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ هجری، متعلق به مجموعه خصوصی مرحوم حاج محمود فرج تبریزی که علت انتخاب این سند به‌عنوان موضوع مقاله حاضر است، یافت شد که طبق آن پدر در صورت عدم رعایت آن از جانب همسر، قادر به گرفتن طلاق دختر خود می‌شود. پشت پرده این شرط علاوه بر روشن شدن قوانینی مربوط به حقوق زن در اسلام، نشان از پذیرش این حقوق در طبقه عامه مردم دارد و برخی برداشتها و نوشته‌های تاریخی از موقعیت تبعیض‌آمیز عموم زنان در ایران دوره قاجار را اگر مردود نکند دست کم با مسامحه در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد.

نکته‌ای که در مورد نکاح‌نامه‌ها چه در بخش شکل ظاهری و چه ویژگی‌های متن نکاح‌نامه‌ها در دوره قاجار در فاصله سال‌های ۱۲۰۶ تا ۱۳۴۲ ه. ق در بازه زمانی صد ساله سلسله قاجار باید مورد عنایت قرار گیرد، توجه به بطئی بودن تغییرات فرهنگی - هنری است به‌عنوان نمونه از تثبیت حکومت قاجارها و تبدیل حکومت‌های استانی در مناطق گوناگون سرزمین ایران و مصالحه با برخی گروه‌ها، جنگ‌هایی زمان فتح‌علی‌شاه برای ایجاد انسجام و یکپارچگی سرزمین و تبعیت از دولت مرکزی تحت یک پرچم تا زمان بازسازی ارتش ایران و تجهیز با جنگ‌افزارهای جدید اروپایی، سبک زندگی عموم مردم هنوز متأثر از راه و روش و قواعد دودمان‌های پیشین چون صفویه، زندیه و افشار بود، و از آنجاکه ماهیت تغییر در فرهنگ، آداب و سنت‌ها ناگهانی و آنی نمی‌تواند باشد این تغییرات در خصوص قراردادهای حقوقی از جمله نکاح‌نامه‌ها متأثر از عواملی چون سیاست‌ها و عملکرد حکومت از جمله آشنایی دیرینگام متون اداری و حتی نسخه‌های خطی با صنعت چاپ در میانه سده دوازدهم بوده است، لذا در نکاح‌نامه‌های این دوره تأثیرات هنر و آرایه‌های کتابت دوره‌های قبلی از جمله مکاتب هنری صفوی به چشم می‌خورد.

مشخصات کالبدی نکاح‌نامه دوره محمد علی‌شاه قاجار

ابتدا مشخصات ظاهری و سپس ساختار نکاح‌نامه ارزشمندی که مبنای پژوهش این مقاله است ارائه می‌شود.



قطع نکاح‌نامه‌ها: ساختار نسخه‌های خطی چه در قالب کتاب و چه اسناد دیوانی، قضایی و حقوقی تغییر کلی نیافته است و جز در جزئیات، فارغ از ضعف‌ها و یا امتیازاتی که در دوره‌های مختلف به لحاظ آرایش و یا پختگی خط داشته‌اند، تقریباً همسان و همگون بوده است.

در دوره زمانی منتهی به سال ۱۳۰۰ نکاح‌نامه‌ها در دو شکل تک صفحه و یا چند صفحه وجود دارد که بسته به نوع تفصیل در نوشتار و یا اختصار در رساندن مفهوم قرارداد عقد نکاح دارای دو گونه قواره و اندازه هستند یکی به صورت یک‌برگی و دیگری در قواره کتابچه‌ای با مجلد تنظیم شده است.

البته اندازه سند خطی در تمام دوره‌ها دارای معیار ثابت و استاندارد نیست، «فقط با توجه به امکانات فنی هر روزگار، قطع یا قطع‌هایی رواج پیدا کرد و احتمالاً در همان روزگار به نام‌هایی خوانده می‌شد.» (صفری، ۱۳۹۰: ۲۱۹) البته اندازه و قطع در اسناد در تمام ادوار تابعی از اندازه و قطع کاغذ مورد استفاده کاتبان بوده است. جز موارد استثنا که به تناسب مقام و شأن افراد تغییراتی در آن دیده می‌شود. به دلیل اطلاعات اندکی که در مورد ساخت کاغذ و ابعاد قالب‌های مورد استفاده در کارگاه‌های کاغذسازی وجود دارد، تعیین دقیق اندازه‌های اسناد مشکل است. البته در برخی متون قدیمی در مورد تقسیمات کاغذ برای اسناد دیوانی چارچوبی تعیین شده است. «قطع کاغذ: بر «نصفی» سلاطین و امرا [را] نویسند یا نواب دیوان‌های ایشان چون وزیر و مستوفی و دبیر و هر که بیرون از این است، بر «ثلثی» باید و بعضی شرط کرده‌اند که ملطنه، کم از «ثلثی» باید به عرض» (صفری، ۱۳۹۰: ۲۱۹) این مسئله در مورد نکاح‌نامه‌ها خاندان‌های وابسته به دربار نیز کاملاً به چشم می‌خورد. در واقع به نظر می‌رسد ابعاد کاغذ مورد استفاده کاتبان متفاوت بوده است لذا ملاک تقسیمات، نصف و ثلث و ربع هر نوعی از کاغذ تعیین‌کننده بوده است.

البته تحقیق جامع و مدونی در این موضوع انجام نشده است و مستندات بر پایه قطع نسخه‌های خطی به مقاله‌ای از استاد ایرج افشار و کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی مرحوم دکتر بیانی استناد می‌شود و کمتر به اسناد خطی در این مورد پرداخته شده است. در خصوص اسناد خطی تک‌برگ دو شیوه رواج داشته است. یکی در هیأت کاغذی که طول آن معمولاً بیش از سه برابر عرض آن است که به «تمایلی» (بیانی، ۱۳۵۳: ۱۴)، طوماری (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۱۹۹) و یا مطول (صفری، ۲۲۴) معروف هستند.

نوع دیگر نکاح‌نامه‌ها در دوره قاجار به صورت مجموعه‌ای از مرقات با اتصال صفحات به یکدیگر به صورت کتابچه‌ای و اتصال به طبله‌های جلد شکل گرفته است که معمولاً از مقوایی ساده می‌پیوستند. نوشتار در این نوع نکاح‌نامه‌ها نقش مهمی داشت زیرا بنا بر بلندی و تفصیل در متن سطر بندی شده و آرایه‌ها و نوع خطاطی بر همان مبنا تنظیم شده است.

سند مورد نظر از این دسته مرقات است در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۵ ق و در دوره زمامداری محمدعلی شاه قاجار



مابین رضا قلی خان تاجر توتون فروش و مریم سلطان خانم، بسته شده است قطع کاغذ ابعاد ۲۸۰ میلیمتر در ۱۸۸ میلیمتر است و از وسط تاخورد و کراسه ای متشکل از یک کتابچه ده‌برگی با جلد مقوایی به رنگ فستقی را شکل داده است.

کاغذ: بخش اعظم زیبایی نوشتار و آرایه‌های موجود در نکاح‌نامه‌ها بستگی به عوامل مختلف چه از نظر مواد به کار گرفته شده، مقدورات و ابزارها و کاتبان دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل که در کتابت این متون نقش ارزنده‌ای داشته کاغذ است که در واقع بخشی از هویت جان‌بخش و پیشینه تاریخی اسناد خطی است که در طی سال‌هایی که مجموعه‌داران به جمع‌آوری نسخ و اسناد خطی پرداخته‌اند کمتر به شاخص‌های روشنی برای بررسی و شناسایی انواع کاغذ و یا حتی تشریح ویژگی‌های کاغذهای مورد استفاده در این نسخه‌ها پرداخته شده است. تعیین نوع ورق و کاغذ به‌منزله بررسی تاریخ مکان و زمان سند در حال بررسی و اهمیت دیرینگی متن برای کاتب است.

با استناد به تحقیقی که آقای رضا فراستی در مورد انواع کاغذهای فرنگی در دوره‌های مختلف پادشاهی قاجار بر روی فرمان‌ها و رقم‌ها بر اساس ۱۰۱۱ سند موجود در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر انجام داده است، می‌توان این گمانه را مطرح کرد که بخش اعظم کاغذهایی که بخصوص از دوره فتحعلی‌شاه به بعد در فرمان‌ها و رقم‌ها استفاده می‌شده است از نوع فرنگی و دارای آب‌نشان مشخص است که تاریخ ۱۸۰۰م تا دوره احمدشاه با تاریخ ۱۸۹۶م علامت‌گذاری شده است. شاید بتوان این تحقیق را به سایر آثار این دوره تا حدودی تعمیم داد. همچنین به‌یقین کاغذهای به‌کاررفته در عهد قاجاری کاغذهایی بود که از روسیه و کشورهای اروپایی به ایران می‌آمد (فراستی، ۲۲۹).

زمان مصرف کاغذ فرنگی به‌پیش از سده دهم هجری در ایران می‌رسد، اما رواج و عمومیت یافتن آن در ابتدا در حوزه کتاب مصحف قرآن در سده هشتم در سطح دیوانی که نمونه آن اسناد بقعه شیخ صفی اردبیلی (همان: ۶۱) است، عمومیت یافتن این نوع کاغذ از دوره قاجار آغاز شد البته تشخیص کاغذ فرنگی از کاغذهای ساخت کارخانه‌ات داخلی واقع در اصفهان، تبریز، تهران، قزوین، بهستان، کاغذکنان، کرمان، مشهد، همدان و یزد (افشار، ۱۳۹۰: ۲۹) به دلیل وجود آب‌نشان و بیش از ۴۰ نوع رنگ (افشار، ۱۳۹۰: ۳۸) قابل تمیز است.

کاغذ سند حاضر با مشخصات کاغذهای وارداتی یا فرنگی از جمله عدم وجود علامت آب‌نشان یا نقوش در معرض نور، انطباق نداشته است. می‌توان گمان برد این سند جزء کاغذهای تولید داخل باشد بافت کاغذ ضخیم و محکم و بافت هماهنگ و یکدست دارد و ضخامت و شفافیت و بافت منسجم آن کمی شبیه به کاغذ ختایی است ولی رگه‌های آهار و مهره بجا مانده و رنگ نخودی کاغذ احتمال نوع کاغذ اصفهانی (سپاهانی) را تشدید می‌کند.

خط: تنوع در تحریر با استفاده از انواع خطوط نوشتاری در بسیاری از نکاح‌نامه‌ها دیده می‌شود به این معنا که ابتدای متن با خطوطی چون تعلیق و نسخ که بیشتر به آیات قرآن و حکمت‌هایی از ائمه معصومین (سلام) ...



علی‌ها) آغاز شده و در بخش‌هایی که به مورد نکاح، مهریه و شرایط عقد می‌پردازد و تندنویسی در آن موضوعیت می‌یابد از خطوط شکسته استفاده می‌شود که خواه‌ناخواه تنوع خطوط و تغییر در زوایای حروف در انواع خط‌ها، طبقه‌بندی ملموسی در متن ایجاد می‌کند. این کار روش رایج نزد ایرانیان از «عهد صفوی بوده که باظرافت و زیبایی چندین نوع خط را در متن و در درون یکدیگر جا بدهند و یا در برخی مواقع آن‌ها را در زمینه سلیمی بنشانند.» (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۱)

شیوه نگارش نکاح‌نامه‌های دوره قاجار بیشتر خط، نستعلیق، شکسته نستعلیق و تعلیق و سیاق به دلیل فراهم بودن امکان تندنویسی با آن بوده است. کتابت در نسخ و اسناد خطی به دو صورت خفی و جلی صورت می‌گیرد. جلی نوعی از خط است که فربه و درشت و روشن نوشته شده باشد، خطی که دارای اندازه‌های شش‌دانگ، پنج‌دانگ، چهاردانگ، سه‌دانگ، دودانگ و نیم دو دانگ باشد، کتابت آنها جلی نامیده می‌شود. کتابت خفی، به‌عکس جلی، اندازه‌ای از خط را می‌گویند که ریز و کوچک نوشته شده باشد در اندازه کمتر از نیم دو دانگ، و در مواردی همانند غبار. [۴۶]

این سند از نظر انواع خطوط تحریری در بخش‌های محتوایی مختلف نیز جذاب به نظر می‌رسد. در حقیقت بر اساس نوع خطوط تحریر شده بخش‌ها، می‌توان متن موردنظر را از لحاظ محتوایی نیز طبقه‌بندی شده است. در بخش‌های دعایی و آیات قرآن از خط نسخ استفاده شده، و رعایت نسبت بین حروف و کادری که در آن جمله مربوطه آمده، به زیبایی متن افزوده است. در میان خطوط نسخ هر جا که متن از عربی به فارسی برگردانده شده، از خط تعلیق که خطی تحریری برای تندنویسی به شمار می‌رود، استفاده شده است. از آنجایی که کلمات و حروف در خط تعلیق درهم‌پیچیده است، در صفحات پایانی نکاح‌نامه که به نظر می‌رسد کاتب سرعت بیشتری داشته، حروف به‌هم‌پیوسته شده است. قسمتی که خارج از عرف رایج در متون نکاح‌نامه‌های معمول است از جمله شرط ضمن عقدی که در حاشیه درج شده در اصطلاح خطاطان به شکل چلیپا کتابت شده یعنی مسیر خط به‌صورت خط افقی نبوده و به هیأت منحنی، کج و منحرف از خط افقی کتابت شده است.

در واقع کلمات در دست‌نوشته، شکل داده شده، و به تعبیر دیگر، حرکات، حروف و کلمات را مشخص کرده باشد، اصطلاحاً آن خط را با صفت مَشْکُول - یعنی شکل داده شده - می‌خوانند [۴۸]. به نظر می‌رسد اهمیت متن اسناد خطی بخصوص در اسنادی که بار حقوقی و قضایی دارد خوشنویسان نسبت به مذهب‌بان و نقاشان دست بالا را دارند.

آرایه‌ها: کاربرد عناصر تزئینی، تذهیب و ترسیم نقوش انتزاعی گیاهان و اشکال منظم هندسی با رنگ و زر محلول و یا نقاشی با زنگار و ایجاد حاشیه درسند و یا «حل‌کاری» که بیشتر برای «سرلوح‌ها» و «سرفصل‌ها» اسناد حقوقی از جمله نکاح‌نامه‌ها تنها باهدف ایجاد زیبایی در سند نبوده است، بلکه سازماندهی مطالب را با استفاده از تزئین



در چهارسوی صفحه، کادربندی و جایگاه متن و حاشیه تعریف می‌کند

تذهیب علاوه بر جنبه‌های هنری و کارکرد آرایه‌ای برای تزئین نسخه‌های مصحف که شأن و قدر والایی نزد مسلمانان دارد، کارکرد مفهومی نیز برای القای معنای تعالی به کمک نقش و رنگ دارد، «فضای دوبعدی این هنر نشان از خواست هنرمند است که در پی تقلید عالم جسمانی نیست، بلکه در پی متجلی کردن بعد متعالی، عالم خیال یا صور معلقه است.» (نصر، ۱۳۷۵: ۱۷۱-۱۷۸)

حتی فضای خالی را در خوشنویسی و در نقش‌های اسلیمی حاصل نگرشی معنوی به «فقر» می‌دانند که همچون خالی بودن نمونه‌وار مسجد تداعی‌کننده حضور الهی است. فضای خالی بر سرگذشت گذرا و موقت اشیای مادی تأکید می‌کند، اما نه چندان که واقعیت عالم ماده را به کلی انکار کند. ترکیب فضای خالی با فضای پر، تجسم «وحدت در کثرت» است. (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۶-۱۷۹)

اما در نیمه دوم سده سیزدهم این دوره رو به افول نهاد و بیشتر نسخه‌های خطی فاقد آرایه و حتی بدون جدول اندازی و حاشیه‌نگاری شدند که ورود صنعت چاپ به ایران شاید از تأثیرگذارترین دلایل آن بوده است؛ ولی تذهیب پس از این دوره نیز تا حدود هفتاد سال در اسناد خاصی چون قباله‌ها و نکاح‌نامه‌های ازدواج کارکرد داشت، «اگرچه بیشتر این آثار دارای ارزش والا نبودند اما از تذهیب این قباله‌ها می‌توان پایگاه اجتماعی صاحب آن را دریافت.» (آغداشلو، ۱۳۵۶: ۶۴۴)

صفحات نکاح‌نامه موردنظر با اشکال هندسی در حاشیه سطرها و صفحات و با چهار رنگ اوکر (آجری)، زنگاری، نارنجی و طلایی تزئین شده است. صفحه اول دارای کتیبه‌ای است که به مثابه دریچه ورود به متن است و تزئینات شامل خطوط منحنی آن، تداعی‌کننده شاخ‌وبرگ و رویش گیاهان با تلفیق رنگ زنگاری و طلایی است. به این شیوه نقاشی با زنگار گفته می‌شود که در تزئین نسخه‌های عمومی‌تر چون عقدنامه‌ها، قراردادهای خانوادگی و... مورد استفاده قرار می‌گرفته است. از صفحه سوم به بعد، حاشیه‌ها ساده و بدون نقش است، ولی تداوم آن تا انتهای سند برای مشخص بودن حاشیه ادامه دارد. صفحات در فاصله ۱۰ میلیمتری از لبه کاغذ جدول کشی شده است و در فاصله ۲۵ میلیمتری جدول اول کمند و کادر تحریر مشخص شده است. این شیوه در مرقومات اداری و حقوقی، از جمله نکاح‌نامه‌ها بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته، یعنی علاوه بر درون کادر اصلی و تعیین محل متن، جدول و کادر دومی در حاشیه کادر اصلی رسم می‌شده و مانند قاب محدوده متن را معین می‌کرده است.

مشخصات ساختاری و محتوایی نکاح‌نامه دوره محمد علی شاه قاجار

متن این سند از لحاظ محتوایی و صنایع ادبی نیز قابل توجه است. متن با تحمیدیه و مقدمه‌ای ادیبانه همراه با رعایت صنایع ادبی و نثری سلیس و گاه آهنگین (مسجع) آغاز شده است و می‌توان آن را در پنج بخش اصلی طبقه‌بندی کرد و هر بخش با تغییر نوع تحریر و خط از یکدیگر جدا شده و در ظاهر متن از یکدیگر منفک شده است.



- بخش اول: تبیین عوامل «انگیزشی» که دلالت بر «جهت» اعتقادات دینی و اخلاقی ازدواج به‌عنوان امری مقدس دارد. متن به انجام امر خداوند باری تعالی و پیروی از سنت الهی با استناد به آیات قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) تأکید می‌کند:

در ابتدا در بخش میانی کتیبه عبارت «هوالمؤلف بین القلوب»، به معنی «خداوند پیونددهنده بین قلب‌هاست» آمده، در ادامه متن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَلَّ النِّكَاحَ وَ نَدَبَ إِلَيْهِ وَ حَرَّمَ الزَّانَا وَ السَّفَاحَ وَ أَوْعَدَ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةَ ۖ وَ السَّلَامَ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ أَشْرَفَ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ فَبَعْدَ الْحَمْدِ وَ الصَّلَاةِ ۖ»، «سپاس پروردگاری که ازدواج را حلال کرد و به آن سفارش مؤکد نمود اعمال قبیح را [زنا و سفاح] [جنگ و خونریزی] حرام نمود و بر آن میثاق بست، درود و سلام بر بهترین مخلوقات و گرامی‌ترین انسان‌ها محمد که سلام و درود بر او و خانواده مطهر او باد.»

بعد از ستایش پروردگار و درود بر پیامبرش، متنی ادبی برای توصیف زیبایی و جلال خداوند و متصف کردن باری تعالی به صفت تنهایی، و لازم دانستن دوری از تنهایی برای بشر آمده است. با خط تعلیق نوشته شده است: «غرض از چهره‌گشایی این شاهد رعنا و صورت‌آرائی این جمیله حسنا آن است که چنین تجرد و یکتایی مخصوص ذات خداوند واحد احد است و ... و تنهایی منحصر به آفریدگار الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوًا احد» بنابراین، با استناد به آیه قرآن، «خداوند بی‌نیاز، نه زائیده شده و نه می‌زاید» را بر آن شاهد می‌آورد.

- بخش دوم: تبیین نحوه تفکر و «بینش» جامعه نسبت به هدف ازدواج بیشتر با استناد به احادیث پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع) و منابع ادبی حاکی از ایجاد همدلی و الفت، تفاهم و همکاری در عرصه توسعه نسل صالح، رزق و معاش به‌واسطه روابط بین زوجین صورت گرفته است، دلایلی که در متن این عقدنامه بر ضرورت ازدواج و اثرات و نتایج آن تأکید دارد، عبارت‌اند از: «انعقاد سلک بقاء به مناکحت منوط و ارتباط عقد هستی به مزاجت مربوط امر تزویج و نکاح از ارکان قوائد دین مبین و اهم سنن سیئه حضرت سیدالمرسلین است ترجمان وحی ربّانی بخطاب مستطاب آسمانی زمره عباد را در انتظام امر معاد و معاش بدان دعوت نموده و خطیب منطق نبوی بر منبر و ما یُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (سخنان پیامبر از روی هوا نیست و آنچه می‌گوید وحی است: سوره نجم، آیه ۳ و ۴). به جهت بقا نوع در عالم و تکثیر نسل بنی‌آدم بر آن ترغیب فرموده که «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ أَنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» بر حسن این شعر منتهی است معین و بمصدوقه تَنَاسَلُوا تَنَاسَلُوا تَكْتَرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسِّقْطِ بر ذکر این پیمان تذکری است دلنشین.» «لهذا در ساعتی سعادت آئین و زمانی به مبارکی و میمنت قرین عقد نکاح دائمی و مزاجت همیشگی واقع شد فی مابین العاقل، الكامل، البالغ دارای مرتبه عالی و جایگاه والا در حضور صاحبان خوبی.»

«فی مابین العاقل الكامل البالغ عالیجاه معلى جایگاه و عزت توفیقه همراه عمده-الاخيار و خیر» در ادامه دو



فرد را چنین معرفی می‌کند: «مشهدی رضا قلی توتون فروش ساکن تهران زید عزه و توفیقه خلف مرحوم مبرور مشهدی فرج و علیجاه، عفت-پناه و عصمت همرا، العاقله البالغه الرشیده البکر مریم سلطان خانم صبیبه مرضیه-ی عالیجاه توفیق و سعادت همرا عمده»- الاخيار آقا مشهدی علی صراف زید توفیقه».

به‌طور کلی مقصود از عبارت فوق سلک بقا و تکثیر نسل آدم، سفارش در دین اسلام و تأکید بر سنت پیامبر (ص) بودن آن، در زمره عبادات بودن، انتظام یافتن امرار معاش و معیشت به‌واسطه آن، دوری از هوی و هوس، دوری از فقر و افزایش برکت، رستگاری در قیامت با استناد بر آیه‌ای از قرآن است. پس از آن به زمان عقد و مشخصات زوجین اشاره می‌کند و آن را ایامی مبارک و فرخنده می‌داند، زیرا روز عقد هم‌زمان با نیمه شعبان (میلاد دوازدهمین امام شیعیان) است.

- بخش سوم: تبیین رفتارها و سازوکارهای عملی برای آغاز یک زندگی مشترک که نشانه عاقبت‌اندیشی نسبت به زندگی آینده زوجین و بخصوص منکوه دارد، از جمله تعیین مهریه، هدایا و جهیزیه. در عقدنامه‌ها به‌عنوان قراردادی که بنا به طبقه اجتماعی طرفین منعقد می‌شود، میزان امکانات مالی که در اختیار زوجین برای ابتدای زندگی قرار می‌گیرد، متفاوت است. مهریه و هدایا به‌عنوان رفتاری تعریف‌شده در چهارچوب سنت، دلالت بر استحکام و اعتبار عملی قرارداد نکاح از جانب زوج دارد.

در این سند مهریه مریم سلطان بدین قرار است: «بصداق معین‌القدر و الوصف الوزن مبلغ دوپست و بیست تومان وجه دوهزاری ... به انضمام یک جلد کلام‌الله مجید ربانی که هدیه‌اش دو تومان وجه موصوف بوده باشد که مبلغ یکصد و پنجاه تومان از آن نقداً واصل و عاید زوج مرقومه گردیده است به اقرارها و مبلغ هفتاد تومان دیگرش به انضمام دو تومان هدیه یک جلد کلام-الله مجید ربانی بر ذمه ... عالیجاه زوج، دین باشد و لازم شرعی است» طبق این نوشته بیش از نیمی از مهریه مریم سلطان به‌صورت نقدی پرداخت شده که نشان‌دهنده تمکن مالی زوج و تمایل او به این ازدواج است و همچنین از منزلت زوج و خانواده او نزد زوج خبر می‌دهد. برای زمان پرداخت مابقی مهریه نیز شرایط منصفانه‌ای تعیین شده است؛ این که زوج در هنگام داشتن ظرفیت لازم و امکان و زمان درخواست زوج مابقی مهریه را پرداخت نماید که با جمله «عندالقدرته والاستطاعه ... المطالبه» بر آن تأکید شده است. در پایان با دعای «اللهم الف بینهما و طیب نسلهما و وسع رزقهما و ارزقهما ولدا صالحا بحق محمد و آله الطیبین الطاهرین» برای زوج و زوجه آرزوی محبت و افزایش روزی و فرزندان صالح شده است.

- بخش چهارم: تبیین شروط مضاعف و الزام‌آور ضمن عقد، آخرین و مهم‌ترین ویژگی این قباله است که تفاوتی اساسی با دیگر عقدنامه‌ها دارد.

در احکام معاملات حقوقی در شریعت اسلام، شرط به معنای علامت، عهد، پیمان و وابستگی چیزی به چیز دیگر است و همچنین در معنای شرط آمده است: «" الشیء و التزامه فی البیع " الزام کردن به چیزی و ملتزم شدن



به آن را در دادوستد شرط گویند» (نک: مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۳۰۵ و ۳۰۶).

درواقع، شرط ضمن عقد تعهدی قانونی و شرعی است که با توافق زن و شوهر ایجاد می‌شود و طی آن دو طرف از حقوقی فراقانونی که در شرط آمده برخوردار خواهند شد. به‌عنوان نمونه ملا احمد نراقی (وفات: ۱۲۴۵ق) از فقهای دوره فتحعلی‌شاه قاجار (حک: ۱۱۷۶-۱۲۱۳ ش)، در رساله عوائدالایام بر اهمیت شرط ضمن عقد تأکید دارد. ایشان شرط ضمن عقد را شرط استمرار و تداوم عقد زوجیت اعلام کرده و بیان می‌کند اگر شرط منتفی شود و مشروط علیه آن را ایفا نکند، استمرار و تداوم عقد منتفی است و مشروط له حق برهم‌زدن آن را دارد (نراقی محمد مهدی، ۱۳۷۵: ۱۲۸). این شروط در اسناد ازدواج دوره قاجار نشانگر آگاهی‌های حقوقی و شرعی مردم عامه نسبت به حقوق زوجین است و سازوکاری مترقی و عملی برای احقاق حقوق دو طرف به‌خصوص زنان بوده و پیش‌بینی‌های لازم برای استحکام روابط خانوادگی در بستر قوانین شرعی و اعتقادی را فراهم کرده است.

شرط ضمن عقدی که در نکاحنامه دوره محمد علی شاه قاجار مورد توجه قرار گرفته از جانب پدر دختر در حاشیه صفحه آخر نگاشته شده است و به نظر می‌رسد تأکیدی است بر خواسته‌های اعتقادی زوجه و خانواده‌اش: «به‌موجب وکالتی که داشتند جناب عمده‌التجار الامور محمد تقی تاجر قزوینی زبیده و فخره بعد از آراء وکالت‌نامه از طرف موکل خود آقا مشهدی رضا قلی توتون فروش ملزم شرعی شدند بر اینکه اگر خدائی ناکرده روزی مرتکب امری از امور شنیعه حرام شوند که به قانون شرع معین و مشهود افتاد عالیجاه آقا مشهدی محمد علی صراف مختار باشند که طلاق دختر خود را گرفته، کسی هم حق مؤاخذه شرعی نداشته باشد که مانع شود طلاق دختر خود را بگیرد به انضمام حقوق و دیگر، به تاریخ ۲۴ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ ه.ق»

این شرط حق طلاق منکوحه را به پدر تفویض کرده که اگر زوج یکی از امور شنیعه حرام را مرتکب شود، از سوی دختر خود وکالت دارد و می‌تواند طلاق او را بگیرد. این شرط در هیچ‌یک از قباله‌های ازدواج در دوره قاجار دیده نشده و تنها سندی است که چنین الزام اخلاقی و دینی را در عقدنامه آورده است. این شرط مبین نوع تفکر و سطح اطلاع و بینش این خانواده نسبت به احکام حقوقی شریعت و رعایت حقوق فردی برای زنان است.

به نظر می‌رسد با توجه به بحران‌های متعدد سیاسی و اوضاع آشفته و متزلزل این دوره در ایران، وضعیت ناپایدار سیاسی، تبعات فراوان اقتصادی نیز به همراه داشته است که شاید موجب شده تا ناهنجاری‌های رفتاری و اعتقادی در جامعه به‌خصوص در طبقه تجار فراگیر شود. از جمله این ناهنجاری‌ها می‌توان به مسئله ربا و تعدی در اموال دیگران اشاره کرد. نکات قابل استخراج از این سند عبارت‌اند از:

۱- به نظر می‌رسد علت طرح چنین شرطی احتمالاً ناشی از عوامل و شرایط اجتماعی از یک‌سو و پابندی به اخلاق و شریعت در بین عموم از سوی دیگر باشد.

۲- وجود درایت و دوراندیشی و بسنده نکردن به شروط تکراری، به‌منظور محفوظ داشتن زندگی یک زوج و تأکید



بر پایه‌های سالم و خدایسندانه در زندگی.

۳- بی‌نیازی مادی خانواده دختر و اصل قرارداد ریشه‌های اخلاقی و اعتقادات دینی و معنوی برای استحکام و پایداری و سلامت خانواده.

۴- اهمیت و تأکید خانواده دختر بر داشتن زندگی آرام و سلامت از لحاظ روحی و اخلاقی و تضمین آن به کمک ثبت نوشتاری و حقوقی آن، برخلاف سایر شروط ضمن عقد که خانواده‌ها در آن سعی در فراهم آوردن امکانات مادی برای دختر خود داشتند.

- بخش پنجم: مهر تأیید شهود؛ اثر مهر بر اسناد، معرف جایگاه صاحبان آن و مبین اعتبار هر سند بوده است. مهم‌ترین آداب استفاده از مهر در اسناد دیوانی، تعیین محل نقش مهر در سند بوده است. این موضوع همیشه متناسب با متن و درجه اهمیت سند و اشخاص مهر کننده آن است، چنان‌که در دوران ایلخانان و صفویان اسناد، نامه‌های دیوانی و یا فرمان‌ها همراه با مهر پادشاه در بالای سند بوده است. در خصوص تأیید و اعتبار نکاح‌نامه‌ها به نظر می‌رسد هرچه تعداد مهرها بیشتر باشد، سندیت و استحکام حقوقی آن افزون‌تر و طبقه و جایگاه اجتماعی طرفین قرارداد بالاتر است. مهرهای موجود در این قبالة گواهی می‌دهد که برخی از شهود در طبقه خواص مانند تجار یا بازرگانان و قشر تحصیل کرده قرار داشتند.

مهرهای چهارده‌گانه این سند بیشتر به شکل بیضی، دایره و مربع بوده و اسامی درج‌شده بر مهرها که به شاهدان این عقدنامه اشاره دارند، به شرح زیر است: امیرحسین، یا محمد، محمد الری، مراد، عبدالله مراد، الله محمدحسن، محمدرضا، ابوالقاسم، عبدالراجی رضا قلی، ان-الحسن و الحسین، مصطفی طباطبائی.

نکته قابل توجه در این مهرها درک عمیق سازنده آنها از مبانی نظری هنرهای تجسمی و ادغام آن با هم‌جواری حروف و ترکیب‌بندی، قرینه‌سازی و توازن حکاکی در سطحی محدود و کوچک است. در اهمیت هنری مهر همین بس که مهر هر فردی، برگ هویت و شناسنامه او و کلمات حک‌شده بر آن نمایانگر نسب، سلیقه، مبانی اعتقادی و مذهبی و جایگاه فرهنگی و اجتماعی فرد بوده است. برای نمونه می‌توان به مهری دوزبانه (فارسی و انگلیسی) به نام محمد مراد اشاره کرد که به نظر می‌آید متعلق به بازرگانی با سابقه دادوستد با خارج از ایران باشد یا مهر دیگر که حاکی از اعتقادات دینی فرد است و پیش از درج نام صاحب مهر (محمدحسن) کلمه (الله) حکاکی شده است. در این نکاح‌نامه تأیید متن به وسیله مهرها در صفحه آخر در حاشیه صفحه و قرینه کادری است که شرط ضمن عقد در آن درج شده و نشان‌دهنده تأیید متن عقدنامه و شرط ذکر شده است.



نتیجه‌گیری

نکاح‌نامه‌ها که از اسناد مهم در زمینه کشف مهارت‌ها، هنر و زیبایی‌شناسی در حوزه کتابت همچنین مطالعه جایگاه اجتماعی و خانوادگی افراد به‌خصوص زنان هستند و حکایت از قابلیت‌ها و موقعیت‌های قابل‌اعتنا در فرایند ازدواج، به‌ویژه در جامعه به‌شدت سنتی و مبتنی بر عرف ایران عهد قاجار، دارد که بر اساس همان سنت‌های پذیرفته‌شده دینی و عرفی جامعه، بستر مناسبی برای در نظر گرفتن و حتی اعاده برخی از حقوق فردی و اجتماعی زنان را می‌تواند درج و تضمین کند. به‌خصوص که برخی از شروط منظم به قراردادهای حقوقی آن دوره از پایگاهی دینی برخوردار بودند. همین امر موجب می‌شد تا با سهولت از سوی مردم مورد پذیرش قرار گیرند. زنان نیز با آگاهی از شروط ضمن عقد، به‌عنوان بخش‌های قابل انضمام به قرارداد عقد و ازدواج، از آنها به‌عنوان ضمانت احقاق حقوق خود بهره می‌بردند. با مرور اسناد ازدواج دوره قاجار، موارد متعددی از شروط ضمن عقد، علی‌الخصوص میان طبقه متوسط جامعه مشاهده می‌شود که به‌مثابه احیای حقوق مازاد زنان محسوب می‌شد. متناسب با شرایط زمانی و مکانی جامعه، از نظر سیاسی، اقتصادی و... این شروط بیشتر بر تأمین نفقه، تعیین مکان اقامت و نحوه نگهداری فرزندان تأکید داشت. اما علاوه بر حقوق مادی، برخی حقوق معنوی که سهمی بنیادین و ریشه‌ای در دوام و پایداری خانواده و حفظ منزلت زن داشت، نیز مدنظر جامعه زنان در دوره قاجار بود. هرچند که به نسبت حقوق مادی سهم کمتری در شروط ضمن عقد داشتند. مفاد شروط ضمن عقد، نکاح‌نامه مورد بررسی نیز در زمره شروط استثنایی این دوره است که بیانگر خواست خانواده جهت کسب حقوق معنوی و اخلاقی است. طرفین قرارداد، ازدواج را نه راهی برای کم‌شدن باری از دوش خانواده، بلکه فرصتی برای اعتلای اخلاقی دو طرف می‌دانستند. ذکر این نکته هم لازم است که بی‌نیازی مالی و موقعیت طبقاتی این دو خانواده در این میان بی‌تأثیر نبوده است.

شرایط اجتماعی دوره قاجار به سبب گذر جامعه از سنت به مدرنیته، پیچیدگی‌های خاص خود را داشت که برای مطالعه کامل در این موارد، تطبیق اصول پذیرفته‌شده در فرهنگ جامعه با روش‌های جدید که حکومت‌ها تمایل به وارد کردن آن از دیگر کشورها داشتند ضروری به نظر می‌آید. عموم مردم در میانه این تغییرات تلاش داشتند با بهره‌گیری از موقعیت مناسب، بازتعریفی از عدالت اجتماعی از جمله عدالت جنسیتی ارائه دهند و این کار را با کمک پایگاه اعتقادی اجتماع انجام می‌دادند. نمونه این اصلاحات در فحوای شروط ضمن عقد که در سند کنونی مورد بحث قرار گرفت، از نمونه‌های عملی از سوی جامعه ایران در دوره قاجار و به‌خصوص زنانی است که آگاهانه از این مصادیق بهره گرفتند.



عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

کتابنامه

- آغداشلو، آیدین، راهنمای کتاب قباله‌های نکاح، موزه نگارستان، ۱۳۵۶
- الجواهری، الشیخ محمدحسن نجفی (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ترجمه، قوچانی، عباس، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه محمدحسین کرد بچه، تهران، اطلاعات.
- بیانی، مهدی (۱۳۵۳). کتاب‌شناسی کتاب‌های خطی. انجمن آثار ملی.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر خوارزمی.
- دروویل، گاسپار، (۱۳۳۷)، سفر در ایران، ترجمه جواد محیی، تهران، انتشارات گوتنبرگ.
- رنه دالمانی، هانری، (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه بهرام فره‌وشی، انتشارات ابن‌سینا و امیرکبیر.
- سام، علی و علیرضا علی صوفی، (۱۳۹۵)، در ضرورت و اهمیت شناخت اسناد تاریخی: واکاوی عقدنامه‌های ازدواج عهد قاجار، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۸، صص ۹۳-۱۱۰.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۷)، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی. تهران، اختران.
- شکری، رقیه و یزدان فرخی، (۱۳۹۸)، محتوا و شکل نکاح‌نامه‌های دوره ناصری، گنجینه اسناد، سال ۲۹، دفتر اول، شماره پیاپی ۱۱۳، صص ۱۶۷-۱۹۴.
- شکری، رقیه، (۱۳۹۷)، تجزیه و تحلیل محتوایی مهریه در عقدنامه‌های دوره ناصری باتکیه بر اسناد آرشیو ملی، آرشیو ملی، سال ۴، شماره ۲، صص ۶۶-۹۸.
- شیمل، آنه ماری، (۱۳۸۶)، خوشنویسی اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، نشر مطالعات هنر اسلامی.



- صفری آق قلعه، علی و ایرج افشار (۱۳۹۱) نسخه شناخت، ناشر مؤسسه نشر میراث مکتوب.
- عضدالدوله، احمد میرزا، (۱۳۲۸)، تاریخ عضدی، به کوشش حسین کوهی کرمانی، تهران، مظاهری.
- عطایی آشتیانی، زهره، (۱۳۹۹)، کنش معنادار پیامدهای نهان کسب حقوق زنان در دوره قاجار، پژوهش‌نامه زنان، سال ۱۱، شماره ۴.
- فراستی، رضا. آشنایی با فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجاریه، تاریخ معاصر ایران. شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- مایل هروی، نجیب، (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ناشر: طبع و نشر
- مرتضی زبیدی، محمد، (۱۴۱۴)، تاج العروس، بیروت، الفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
- مؤمن فرد، زهرا و سیده زهرا غمی لویی، (۱۳۹۵)، مهر نامه‌ها و جایگاه آن در تاریخ اجتماعی (با معرفی عقدنامه‌ای از دوره فتحعلی‌شاه قاجار)، فصلنامه آرشیو ملی، شماره ۳، شماره پیاپی ۷، صص ۶۶-۷۳.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، عوائد الایام، بوستان کتاب، قم،
- نصر، سید حسین، (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، انتشارات دفتر مطالعات دینی.



پیوست‌ها:

تصاویر صفحات نکاح نامه







